



تحولات ناظر بر دادرسی عادلانه در پرتو قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با نگاهی به اسناد بین‌المللی

عباس میرزاجانی*

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران.

چکیده

دادرسی عادلانه عبارت است از حل‌وفصل اختلاف‌ها در یک مرجع قانونی، بی‌طرف، مستقل و با رعایت کلیه حقوق طرفین. به‌عبارت دیگر اصول و قواعد دادرسی عادلانه را باید در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی از جمله منشور حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد بین‌المللی جستجو کرد. اصل برائت به‌عنوان بنیادی‌ترین اصل، اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل تساوی اشخاص در برابر قانون و اصل تساوی سلاح‌ها از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. همچنین برای مرحله بازداشت موقت، حق داشتن مترجم، حق آگاهی از علل دستگیری، حق اعتراض به بازداشت، درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت در صورت عدم استحقاق و دیگر حقوق از الزام‌های رسیدگی در این مرحله می‌باشد و مهم‌ترین شروط دادرسی عادلانه در مرحله تحقیق‌های مقدماتی نیز تفهیم اتهام، حق بهره‌مندی از وکیل و حق سکوت می‌باشد. در مرحله محاکمه ابتدا باید عدم جانبداری و بی‌طرفی، استقلال و عدم وابستگی، مستندبودن احکام، برابری بین اشخاص، ارائه ادله از سوی طرفین، علنی‌بودن دادرسی، حق داشتن وکیل، حق حضور در دادگاه، حق پرسش از شهود، حق تجدیدنظر و سایر حقوق تضمین شود تا دادرسی عادلانه مطلوب تحقق یابد. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به‌منظور همسویی و هماهنگی با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در مقایسه با قانون آئین دادرسی کیفری سابق، پیشرفت‌های زیادی داشته است، هرچند هنوز هم نقص‌ها و خلأهایی در آن دیده می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۵-۶۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

A.mirzaajani@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۷/۱

واژگان کلیدی:

دادرسی عادلانه، قانون آئین دادرسی کیفری، اسناد بین‌المللی، حقوق طرفین.

openaccess



مقدمه

دادرسی عادلانه یکی از معروف‌ترین، محبوب‌ترین و مهم‌ترین حقوق انسان‌ها است، که در جریان تحول تمدن حقوقی بشر پدید آمده است. البته اصل این حق منطبق با فطرت و سرشت آدمی و مبتنی بر عقل و خرد انسان است، و ادیان الهی هم آدمیان را به آن توجه داده و ارشاد کرده‌اند.

دادرسی عادلانه دارای مفهومی حقوقی است که در مباحث حقوق بشری موقعیت برجسته‌ای دارد. اگر متهمی به طرز عادلانه‌ای محکوم نشود، آنچه بیش از همه او را محکوم می‌کند خود محکومیت است. وقتی فردی توسط حکومت متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریم‌ها قرار می‌گیرد که در این صورت حق دادرسی عادلانه تضمینی اساسی است به منظور اطمینان بخشیدن به اینکه متهم به صورت غیرقانونی و ناعادلانه محاکمه و مجازات نشود. حق برخورداری از دادرسی عادلانه به عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از افراد در برابر محروم کردن یا محدودکردن غیرقانونی و خودسرانه افراد از آزادی و حقوق اساسی ایشان که حق حیات و آزادی از برجسته‌ترین آن‌هاست، شناخته می‌شود. تساوی اشخاص در برابر قانون، قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، محاکمه علنی و منصفانه در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، حق دفاع توسط متهم و یا وکیل مدافع، حاکمیت اصل برائت، تفهیم اتهام، حق اطلاع از دستگیری، منع اجبار به اقرار و ... از مهم‌ترین اصول و قواعد دادرسی عادلانه می‌باشد.

دادرسی عادلانه و همچنین دادگاه‌ها برای تأمین عدالت و حل اختلاف‌ها تشکیل شده‌اند، بنابراین در عملکرد خود باید اساس و بنیاد تشکیل خود را در نظر داشته باشند. دادگاه‌ها مهم‌ترین نقش را در تحقق اهداف قوه قضائیه دارند و برای اینکه این اهداف بیش از پیش تأمین شوند باید برخی اصول را رعایت کنند که سلامت رسیدگی و عدالت تصمیم‌ها را تضمین کند. در این رابطه قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بسیاری از

اصول و قواعد دادرسی عادلانه را مطرح کرده که ما را برای رسیدن به این هدف مهم رهنمون می‌سازد.

۱- جلوه‌های دادرسی عادلانه ناظر به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در زمینه تشکیلات

تضمین دادرسی عادلانه مستلزم ایجاد یک ساختار قضائی مطلوب است. به همین دلیل، سیاست‌گذاران جنایی با تدوین قوانین و مقررات متعدد موجبات آن را فراهم می‌کنند.

۱-۱- جلوه‌های دادرسی عادلانه ناظر به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در پرتو ساختار قانونی

۱-۱-۱- اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

براساس این اصل، نظام عدالت کیفری در صورتی می‌تواند رفتار شهروندان را مجرمانه و درخور سرزنش کیفری بینگارد که پیش‌تر از رهگذر قانون‌گذاری، مجرمانه بودن آن رفتار و نوع و میزان واکنش علیه آن را اعلام کرده باشد. (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۲۶/۱)

اصل قانونی بودن جرم، یکی از مهم‌ترین اصول حقوق کیفری است و معمولاً بحث درباره اصول کلی حقوق کیفری را با این اصل آغاز می‌کنند. این اصل بیانگر آن است که تعقیب رفتاری که در زمان وقوعش قابل مجازات یا جرم نبوده مردود است، یا به سخن دیگر هیچ‌کس را نمی‌توان به خاطر فعل یا ترک فعلی تحت تعقیب قرار داد مگر آنکه به موجب قانونی که در زمان وقوع آن عمل معتبر بوده قابل مجازات یا جرم شناخته شده باشد. اصل قانونی بودن مجازات به این معناست که مجازات اعمال مجرمانه باید هنگام ارتکاب آن در قانون وضع شده باشد، تا دادگاه بتواند مجازات را معین کند. اصل قانونی بودن یک مفهوم اخلاقی و حقوقی است. مقتضای عدالت آن است که کسی مجازات نشود مگر پس از آنکه دانسته باشد رفتار مورد بحث او مجرمانه و قابل مجازات است. حق برخورداری از محاکمه قانونی که در گذشته مورد بحث بود به دو مقوله ماهوی و شکلی مرتبط است. به لحاظ ماهوی، جرائم و مجازات‌ها باید پیش از ارتکاب عمل وضع شده باشد، و از نظر شکلی آئین و نظام محاکمه‌ها باید به موجب قانون تأسیس شده باشد. (فضائلی، ۱۳۸۷: ۲۷۰) این اصل در آموزه‌های دینی ما با

عنوان قاعده «قبح عقاب بلا بیان» آمده است که قاعده‌ای عقلی است و در منابع نقلی نیز به آن اشاره شده است.

از اصل قانونی بودن جرم و مجازات اصول دیگری نیز حاصل می‌شود از جمله:

۱- اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری.

۲- اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی.

۳- اصل منع دلیل تراشی از راه قیاس (گودرزی و همکاران،

۱۳۸۲: ۴۷)

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در اصل یکصد و شصت و نه قانون اساسی کشورمان بیان شده و در ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری به صراحت مطرح شده است. این اصل در قانون سابق صراحتاً بیان نشده بود و به‌عنوان یکی از نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری جدید به حساب می‌آید.

اصل مذکور در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و ماده ۲۶ منشور آفریقایی مطرح شده است. (میرزاجانی، ۱۳۹۳: ۳۱)

۱-۱-۲- اصل برائت

بر پایه اصل برائت یا فرض بی‌گناهی، همه شهروندان بی‌گناه‌اند مگر اینکه مجرمیت آنان در دادگاه صلاحیت‌دار و با سپری شدن تشریفات قضائی اثبات شود. این اصل که در آزادی‌های فردی ریشه دارد، در تعدادی از اسناد بین‌المللی از جمله در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی به رسمیت شناخته شده است. (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۶۴)

از لحاظ تاریخی اصل برائت سابقه طولانی دارد، در حقوق روم آمده بود که هرکس تا زمانی که جرم او ثابت نشده است بی‌گناه است، ولی در عمل مقید به این اصل مهم نبودند. در ایران باستان نیز این اصل در آئین‌های سی‌وسه‌گانه که خود به دو قسمت «ور سرد» و «ور گرم» تقسیم شده بود، وجود داشت. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۶)

اصل برائت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی‌وهفتم بیان شده و در ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری به

صراحت بیان شده است. اصل برائت در قانون سابق آئین دادرسی کیفری به صراحت وجود نداشت ولی در قانون جدید به صراحت بیان شد که می‌توان آن را یکی از دستاوردهای جدید مقنن محسوب کرد و به‌نظر می‌رسد ضمانت اجرای آن در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی بیان شده است. در مفهوم حداقلی نتیجه این اصل آن است که «بار اثبات برعهده دادستان است، دادستان پرونده را می‌آورد و برعهده خود او است که ثابت کند متهم مجرم است، نه آنکه متهم ملزم باشد بی‌گناهی خود را به اثبات برساند». ولی در مفهوم حداکثری، علاوه بر نتیجه یادشده، آثار دیگری هم دارد و آن اینکه دادستان باید «به دور از تردید معقول» ثابت کند که متهم مجرم است. پس نه فقط به بار اثبات که به استاندارد اثبات نیز مرتبط است، حتی اصل برائت ممکن است حامل برخی قواعد و حقوق فرعی، مانند حق آزادی با وثیقه و ... باشد. همه نظام‌های حقوقی عمده دنیا این اصل را پذیرفته‌اند. محاکمه‌های کیفری بین‌المللی هم بر این اصل استوار شده است.

۱-۱-۳- اصل تساوی سلاح‌ها

این اصل در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی حقوقی به صراحت پیش‌بینی نشده و به‌همین دلیل یک اصل نوشتاری محسوب نمی‌شود. اصل مذکور بدان معناست که برخورد دادگاه با متهم در یک طرف دعوا و مقام تعقیب دعوا عمومی و شاکی در طرف دیگر برابر بوده و طرفین دعوا از فرصت و امکانات یکسان برای ارائه دلیل و مستندات خود برخوردارند. (بابایی و همکار، ۱۳۸۹: ۴۴) اتهام معمولاً از طرف دادرسی به فرد مظنون وارد می‌شود، که این نهاد از سوی حکومت می‌باشد، بنابراین شخص مظنون در مقابل نهادهای حاکم که از قوه اقتدار و امکانات متوسل به زور استفاده می‌کند قرار می‌گیرد، از این رو دادرسی عادلانه حکم می‌کند که فرد مظنون در وضعیت برابر دادستان قرار بگیرد تا بتواند از خود دفاع کند.

اصل تساوی سلاح‌ها نخستین بار توسط کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار برده شد. در سال ۱۹۵۹ میلادی کمیسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده شوآویچ علیه سوئد چنین حکم کرد که حق

بهره‌مندی از دادرسی عادلانه اقتضا می‌کند که هر یک از طرفین دعوا در یک دعوای حقوقی و به‌طریق اولی در یک دعوای کیفری این امکان معقول را داشته باشد که بتواند دعوای خود را در دادگاه در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیتی نامناسب‌تر قرار ندهد. (ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۲) همچنین در اثری منتشر شده از شورای اروپا آمده است: «اصل برابری سلاح‌ها به این معناست که هریک از طرفین دعوا، فرصت برابری نزد محکمه داشته باشند، به‌طوری که وی در وضعیت نامساعدتری نسبت به طرف مقابلش قرار نداشته باشد.» (علامه و همکار، ۱۳۸۹: ۳۰۸)

در زمینه تساوی سلاح‌ها اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۰ به حق هرکس به اینکه دعوایش در کمال تساوی بررسی شود اشاره کرده است و کمیسیون اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که دادرسی منصفانه در معنای وسیع آن تساوی سلاح‌ها را نیز در برمی‌گیرد و در سطح منطقه‌ای کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۸، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها در ماده ۷، و اعلامیه حقوق بشر کشورهای اسلامی نیز در ماده ۱۹ به‌صورت ضمنی بر این اصل صحه گذاشته‌اند. (فضالی، ۱۳۸۷: ۳۲۷) رعایت اصل تساوی سلاح‌ها، تأثیر بسزایی بر هر چه بیشتر ترافعی شدن دادرسی‌ها و نیز تضمین حقوق دفاعی متهم خواهد داشت. در قانون آئین دادرسی کیفری نیز به این اصل اشاره مستقیمی نشده است اما از مفاد برخی مواد از جمله مواد ۱۹۰، ۲۸۷ و ۳۲۶ می‌توان پی برد که قانون‌گذار این اصل را به‌طور ضمنی پذیرفته است.

۱-۱-۴- اصل تناسب نظام پاسخ‌دهی با شخصیت متهم

بر پایه این اصل که در آموزه‌های مکتب تحقیقی ریشه دارد، دادرسان مکلف‌اند که متناسب با شخصیت مجرمان در پاسخ‌دهی به اتهام و مجرمیت آنان در مرحله‌های مختلف فرایند کیفری مبادرت ورزند. به‌بیان دیگر، بر پایه این اصل، دادرسان باید با رویکردی بزهکارمدار پاسخ متناسب با نیازهای جسمی، روانی، اجتماعی و دیگر نیازهای متهمان را برگزینند. (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۴۸)

این اصل که به فردی‌کردن پاسخ‌های سیاست جنایی می‌انجامد، نقش مؤثری در بازپروری بزهکار ایفاء می‌کند. این موضوع در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شده است، و به‌موجب بند چ ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس یا دادیار مکلف است خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم را در کیفرخواست بیاورد. این موضوع در قانون سابق وجود نداشت و یکی از نوآوری‌های قانون جدید محسوب می‌شود.

۱-۲-۱- جلوه‌های دادرسی عادلانه ناظر به ساختار قضائی مناسب

۱-۲-۱-۱- تشکیل دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار

ایجاد دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار از تضمین‌های بارز دادرسی عادلانه به‌شمار می‌رود. زیرا، تناسب دادگاه با نوع بزهکاری و بزهکار و نیز صلاحیت داشتن دادگاه سبب افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌شود. تحت تأثیر همین رویکرد، سیاست‌گذاران جنایی با توجه به معیارهایی مانند شدت جرم ارتكابی، جنس بزهکاران و سن آنان به دسته‌بندی دادگاه‌ها برای برقراری تناسب بیشتر میان دادگاه رسیدگی‌کننده و پدیده بزهکاری و بزهکار مبادرت ورزیدند. (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۶۳/۱) بنابراین ایجاد دادگاه مناسب موجبات رسیدگی کیفری را برای متهمان فراهم می‌کند.

دادگاه ایجاد شده باید به‌موجب قانون اساسی یا سایر قوانین مصوب قوه مقننه یا از طریق حقوق عرفی ایجاد شود، هدف از این الزام این است که در رسیدگی به پرونده‌های کیفری بین محاکم اختلافی صورت نگیرد. اصل ۵ اصول بنیادین استقلال قضائی نیز به این مهم اشاره دارد.

۱-۲-۱-۲- سریع بودن رسیدگی

سرعت بخشیدن به دادرسی کیفری از نظرگاه حقوق بشر و آموزه‌های جرم‌شناسی بسیار درخور توجه است. رسیدگی کیفری بدون تأخیر از یک‌سو سبب می‌شود تا متهم بی‌جهت در فرایند کیفری باقی نماند و ازسوی دیگر به متهم و جامعه هشدار می‌دهد که در صورت ارتكاب جرم به سرعت ازسوی نظام عدالت کیفری به آن پاسخ داده می‌شود. بنابراین، رسیدگی

ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است. شایان ذکر است که، به موجب ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیق‌های مقدماتی اصل بر غیرعلنی بودن می‌باشد. هدف از محرمانه بودن تحقیق‌های مقدماتی، تسریع در روند رسیدگی، جمع ادله، جلوگیری از امحاء یا اخفاء دلایل، حفظ استقلال و تأمین امنیت قاضی، شهود، متهم، شاکی و مطلعین شود، و همچنین سبب حفظ آبروی آن‌ها شود. در گذشته هدف از محرمانه بودن تحقیق‌ها، بی‌اطلاع نگاه داشتن متهم به منظور غافل‌گیری او در وقت مناسب بود که امروزه با هدف کشف حقیقت و اعطای حقوق دفاعی لازم به متهم سازگار نیست، هدف از محرمانه بودن تحقیق‌های مقدماتی در حال حاضر، رعایت اصل برائت و جلوگیری از انتشار خبر اتهام متهم است. (خالقی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

۲- جلوه‌های دادرسی عادلانه ناظر بر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در زمینه حقوق فردی

سیاست‌گذاران جنایی برای تضمین حقوق متهمان در فرایند کیفری، شناسایی و رعایت برخی از مصداق‌های حقوق و آزادی‌های فردی را به مثابه جلوه‌های دادرسی عادلانه معرفی می‌کنند. این حقوق که بیشتر ناظر به متهمان است تا ساختار قانونی و قضائی به دو شکل مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. شکل نخست ناظر به حقوق متهمان در زمینه داشتن امنیت در فرایند کیفری است و شکل دوم مربوط به حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود.

۲-۱-۲- حقوق متهم مبنی بر داشتن امنیت در فرایند کیفری

۲-۱-۱-۲- منع شکنجه

اقرار بزهکاران از گذشته تا امروز یکی از دلایل اثبات در امور کیفری به شمار می‌آید. از این رو، در نظام‌های گوناگون دادرسی کیفری رویکرد متفاوتی نسبت به چگونگی گرفتن اقرار از متهمان وجود داشته است؛ به گونه‌ای که، در نظام دادرسی کیفری تفتیشی، اعمال زور و شکنجه بر متهمان برای گرفتن اقرار قانونی است. (آشوری، ۱۳۷۵: ۲۹/۱)

بدون تأخیر سازوکاری مناسب برای پیشگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های شهروندان به‌شمار می‌رود. (تقی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰۳) در واقع اجرای عدالت در مدت معقول از وجوه اساسی دادرسی کیفری و یکی از ضروری‌ترین شروط یک نظام قضائی مؤثر است که در جوامع مورد وفاق عمومی است. این اصل برای تضمین دادرسی عادلانه نقشی تعیین‌کننده دارد، زیرا تأخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود شود. به علاوه سرعت محاکمه فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری به حداقل می‌رساند، اهمیت این حق به‌ویژه در مواردی که متهم قبل و حین محاکمه در بازداشت به سر می‌برد دو چندان می‌شود. مستندات بین‌المللی سرعت را جهت تسریع تحقیق‌ها مطرح کرده است، بند ۱ و ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر این امر تأکید می‌کند. این موضوع در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری به مثابه قانون سابق مطرح شده و همچنین در ماده ۱۸۹ نیز بازپرس را مکلف کرده تا حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از زمان تحت‌نظر قرار گرفتن متهم توسط ضابطان دادگستری مبادرت به تحقیق کند.

۱-۲-۳- علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی به معنای گشودن دادگاه و فرایندهای قضائی به‌روی مردم است، وقتی گفته می‌شود محاکمه یا دادگاه علنی است، مقصود این است که استماع دعاوی در معرض ملاحظه عموم است، به گونه‌ای که فرایند رسیدگی و استماع دعاوی در دادگاه برای عموم، به‌ویژه از طریق مطبوعات و رسانه‌ها، قابل ملاحظه خواهد بود. به‌سختی دیگر حق یا اصل رسیدگی علنی به این معنی است که همه محاکمه‌های مدنی و کیفری، باید در اصل به‌طور شفاهی و علنی اداره و هدایت شوند. (فضائلی، ۱۳۸۷: ۳۱۳)

علنی بودن دادرسی در اسناد بین‌المللی مورد توجه خاصی قرار گرفته است، از جمله در بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به آن اشاره کرده است. در قوانین داخلی نیز در اصل ۱۶۵ قانون اساسی و در

مصوب ۱۳۸۳» بیان شده است. شایان ذکر است که ممنوعیت شکنجه مبادی متعددی دارد، از جمله آن‌ها حق سکوت است. زیرا، بر پایه آن هر متهمی می‌تواند در فرایند کیفری نسبت به پرسش‌ها و جریان محاکم سکوت اختیار کند. این حق در قوانین گذشته جایگاهی نداشت تا اینکه خوشبختانه در مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری با صراحت به این موضوع اشاره کرده که می‌تواند گامی بلند در احقاق حقوق متهم و استاندارد کردن قانون آئین دادرسی کیفری باشد، که در ماده ۱۹۶ نیز ضمانت اجرای آن ذکر شده است.

۲-۱-۲- حق ارتباط با خانواده

یکی از عوامل و تضمین‌هایی که مانع نقض معیارهای حقوق بشری می‌شود حق ارتباط متهم محروم از آزادی با دنیای بیرون است. در واقع محرومیت از آزادی می‌بایست تنها مانع و محدودکننده بخشی از حق رفت‌وآمد مظنون به اندازه‌ای که اهداف بازداشت و منع را حاصل کند، باشد. قانون آئین دادرسی کیفری از دو نوع سلب آزادی نام برده است: تحت نظر قرار گرفتن و بازداشت.

خانواده متهم این حق را دارند که از موضوع دستگیری و مکان بازداشت متهم آگاهی یابد. بند نخست اصل ۱۶ مجموعه اصول، قاعده ۹۳ قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان و بند ۲ ماده ۱۰ اعلامیه ناپدیدشدگی به این حق اشاره کرده‌اند. طبق ماده ۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری «والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر» می‌توانند از طریق مراجع مزبور (مراجع انتظامی) از تحت نظر بودن متهم اطلاع یابد. پاسخ‌گویی به بستگان در خصوص علت تحت نظر گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی افراد تحت نظر منافات نداشته باشد ضروری است.

همچنین شخص تحت نظر به استناد ماده ۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن افراد خانواده و آشنایان خود را از موضوع تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه با ضرورت تحقیق‌ها تشخیص دهند که

کنوانسیون منع شکنجه در سال ۱۹۸۴ در تعریف شکنجه می‌گوید: «شکنجه به هر عملی گفته می‌شود که درد یا رنج‌های جسمی یا روحی برای شخص به همراه آورد، خاصه به قصد اینکه از این شخص یا شخص ثالث اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب جرم است، متنبه شود.» در ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز به منع شکنجه و مجازات‌های ظالمانه اشاره کرد. همچنین در ماده ۷ میثاق بین‌المللی نیز آمده است که: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار داد، بلکه گرفتن آزمایش‌های پزشکی و علمی از شخص بدون رضایت آزادانه از او ممنوع است.» علاوه بر آن ماده سه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده دو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها به این موضوع اشاره داشته و حرمت آن را مطرح کرده است. (شفیعی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و هشتم هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع را ممنوع اعلام داشته است و ماده ۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری در این رابطه بیان می‌دارد: «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤال‌های تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤال‌های خارج از موضوع ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤال‌هایی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست.» در همین رابطه، ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر می‌کند: «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد کند.»

نکته قابل ذکر این است که شکنجه روحی که در ماده ۱۶۹ قانون مجازات به آن اشاره شده در قانون سابق وجود نداشت که یک نوآوری محسوب می‌شود و ضمانت اجرای آن در ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری بیان شده که در چارچوب حمایت از «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

شخص موردنظر نباید از این حق استفاده کند، در این صورت باید مراتب را جهت اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برساند. (میرزاجانی، ۱۳۹۳: ۶۵)

۲-۱-۳- حفظ حرمت حریم خصوصی

بر پایه آموزه‌های حقوق بشر، بزهکاران پیش از مجرم‌بودن موجوداتی انسانی‌اند که باید در همه مرحله‌های فرایند کیفری با آنان مانند سایر انسان‌ها رفتار شود. زیرا، ارتکاب جرم تنها آنان را سزاوار تحمل کیفر و دیگر پاسخ‌های پیش‌بینی‌شده در قانون می‌کند. از این رو، نباید نسبت به آنان رفتارهایی توهین‌آمیز و نانسانی روا داشت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۷ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده ۱۸ تجاوز به حریم خصوصی افراد را ممنوع اعلام کرده‌اند. در قانون آئین دادرسی کیفری جدید نیز می‌توان گفت، در مواد ۱۳۷ و ۱۵۲ که ماده اول در خصوص تفتیش و تحقیق از اماکن و ماده دوم درباره مرسوله‌های پستی مربوط به متهم می‌باشد که قانون‌گذار آن را از جهت حفظ حرمت حریم خصوصی در صورت وجود ظن قوی مطرح کرده است. همچنین در مورد کنترل ارتباطات مخبراتی افراد را تنها در یک مورد آن هم موارد مربوط به امنیت داخلی و خارجی کشور مجاز دانسته است.

۲-۱-۴- رویکرد حداقلی به بازداشت

قرار بازداشت موقت متهم شدیدترین تصمیم مقام قضائی در فرایند کیفری به‌شمار می‌رود. بر پایه آن، آزادی متهمان تا هنگام تصمیم نهایی در زمینه بزهکاری سلب می‌شود. این قرار با وجود فوایدی مانند جلوگیری از فرار متهم و تبانی او با همکاران خود در ارتکاب جرم با ایرادهای مهمی مانند پرهزینه بودن، جرم‌زا بودن، ایجاد اختلال در روند زندگی متهم و خانواده او روبه‌رو است.

در اسناد و منابع بین‌المللی اصل بر آزادی است و به بازداشت موقت به دید یک امر بد و گاهی ضروری نگریسته می‌شود که باید به‌عنوان آخرین چاره و برای کوتاه‌ترین دوره زمانی ممکن

مورد استفاده قرار گیرد. (میرزاجانی، ۱۳۹۳: ۵۴) در این زمینه ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نباید خودسرانه توقیف، حبس و یا تبعید شود» و بند یک ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز اظهار می‌دارد که «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد، هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد، از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به دلایل و براساس آئین دادرسی مقرر در حکم قانون». قسمت د بند الف ماده ۵۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز دستگیری و بازداشت بلاجهت و خودسرانه اشخاص و سلب آزادی آنان را محکوم می‌سازد. ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز «دستگیری یا محدود ساختن آزادی و یا تبعید هیچ انسانی را جزء به مقتضای شرع جایز نمی‌داند». ماده ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها نیز پس از ذکر حق آزادی و امنیت به محکومیت توقیف یا حبس خودسرانه می‌پردازد. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق، در ماده ۵ خود به این موضوع پرداخته است. در این ماده ابتدا به موارد شش‌گانه بازداشت اشاره می‌شود که بند ج آن درباره بازداشت پیش از محاکمه یا همان توقیف احتیاطی است. با عنایت به اشاره صریح مقنن به دلایل و علل بازداشت موقت باید گفت که شیق مورد اشاره جنبه حصری دارد نه تمثیلی. همان‌گونه که مشاهده شده است در همه اسناد مورد اشاره اصل بر آزادی است و بازداشت موقت امری استثنائی تلقی می‌شود، به‌همین دلیل همواره پیش از پرداختن به مبحث بازداشت ابتدا حق آزادی امنیت را متذکر می‌شوند. مفهوم مشترک دیگری که در این مواد به چشم می‌خورد مفهوم خودسرانه است، منظور از خودسرانه نبودن آن است که صدور قرار بازداشت موقت فقط در اختیار مقام قضائی و مقامات دستگاه کیفری باشد. همچنین شورای حقوق بشر در قطعنامه‌ای جهت روشن‌سازی مفهوم خودسرانه مقرر داشته است که: «در صورتی که محرومیت از آزادی ناشی از یک تصمیم قطعی اتخاذی از سوی مقام قضائی ملی براساس قانون داخلی و موازین بین‌المللی پذیرفته شده مربوط باشد خودسرانه

دادگاه‌های مختلف نیز بر این امر صحه می‌گذارند. (زراعت و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۵)

در قانون آئین دادرسی کیفری جدید این‌گونه بازداشت‌ها به‌طور کلی حذف شده است و هیچ موردی از بازداشت موقت اجباری نیامده است. ماده ۲۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری صدور قرار بازداشت موقت را جز در چند مورد جایز ندانسته و با عنایت به این ماده و ماده بعدی آن به‌نظر می‌رسد طبق این قانون به مقام قضائی اختیار تام جهت صدور این قرار داده شده است. (میرزاجانی، ۱۳۹۳: ۵۶)

۲-۱-۴-۲- حذف قرار بازداشت موقت اجباری قوانین خاص

در نظام قضائی کشورمان موارد خاصی وجود دارد که مقنن حسب نوع جرم یا وضعیت خاص دیگری بر ضرورت بازداشت موقت متهم تأکید کرده است. بند ه ماده ۳۵ قانون آئین دادرسی کیفری سابق صدور قرار بازداشت موقت در کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص در آن‌ها بازداشت موقت الزامی پیش‌بینی شده بود را الزامی دانسته و اعتبار آن‌ها را برقرار دانسته است از جمله این قوانین خاص می‌توان به ذیل اشاره کرد:

(۱) تبصره سه ماده ۱۸ قانون مربوط به امور پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۴۴ (کشف داروی تقلبی از متهم).

(۲) بند ج تبصره اصلاحی مصوب سال ۱۳۴۴ الحاقی به ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی (در مورد کسانی که به اتهام جرح با چاقو یا هر نوع وسیله دیگر مورد تعقیب قرار گیرند) در دو قانون یادشده بازداشت متهم تا صدور حکم دادگاه بدوی اجباری است.

(۳) تبصره چهار ماده سه قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام طبق این تبصره صدور قرار بازداشت موقت به قاضی الزام شده است.

ماده ۱۷ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در

محسوب نمی‌شود»، به‌عبارت دیگر آنچه از مفهوم مخالف این تعبیر برداشت می‌شود این است که در صورتی که بازداشت مذکور منطبق با موازین داخلی اما مخالف موازین بین‌المللی باشد همچنان خودسرانه تلقی شده و نامشروع است. (الهی‌منش، ۱۳۸۹: ۷۴) در سایه این نگاه بسیاری از کشورهای جهان به‌سوی حذف بازداشت موقت اجباری حرکت کرده‌اند. کشورهای عضو شورای اروپا به‌علت مغایرت بازداشت اجباری متهمان با روح کنوانسیون و با توجه به قطعنامه ۱۹۶۵ کمیته وزیران شورای اروپا به‌تدریج در راه الغای بازداشت موقت اجباری گام برداشته‌اند. علاوه بر لغو بازداشت موقت اجباری، بر بازداشت موقت اختیاری نیز قیودی افزوده و برای بازداشت‌شده حقوقی مقرر شده است. لیکن در مورد قیود باید گفت اصلی‌ترین قیدی که ذکر شده «مدت معقول» است که در بند سه ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدان اشاره شده است. تعیین ضابطه این که چه مهلتی مهلت معقول به‌شمار می‌رود امر مشکلی است و این مهلت می‌تواند از قضیه‌ای تا قضیه دیگر فرق کند.

رویکرد قانون آئین دادرسی کیفری در مقایسه با قانون سابق، مبتنی بر محدودکردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت قرار گرفت، که به چند طریق این امر را پیگیری کرده که در این قسمت به آن می‌پردازیم.

۲-۱-۴-۱- حذف قرار بازداشت موقت اجباری

ماده ۳۵ قانون آئین دادرسی سابق مصوب ۱۳۸۱ در پنج بند به ذکر جرائمی پرداخته که در صورت وقوع آن‌ها قاضی ملزم به صدور قرار بازداشت موقت است. اگرچه برخی با استناد به صدر ماده که رعایت قیود ماده ۳۲ همین قانون را الزامی می‌داند معتقدند: عملاً بازداشت موقت اجباری از نظام دادرسی کیفری ایران حذف شده است. لیکن به‌نظر می‌رسد در باب الزام یا اختیار قاضی در صدور این قرار اختلاف نظر وجود داشته باشد و تا اندازه‌ای کفه ترازو به نفع الزام مقام قضائی است. آرای متعدد

۲-۱-۴-۴- تدوین قرارهای جدید

تدوین‌کنندگان قانون آئین دادرسی کیفری جدید علاوه بر قرارهای مندرج در ماده ۱۳۲ قانون دادرسی کیفری سابق، پنج نوع قرار دیگر نیز اضافه کرده‌اند که برخی در نظام قضائی کشور سابقه داشته و برخی نیز فاقد پیشینه قانونی در این نظام هستند. این موارد جدید می‌تواند جایگزین قرار بازداشت موقت شوند، علی‌الخصوص آنکه نسبت به دیگر قرارها (به جز التزام به حضور با قول شرف و اخذ کفیل) خفیف‌تر هستند. این قرارها عبارت‌اند از:

(۱) قرار عدم خروج از حوزه قضائی که پیش از این در بند ۲ ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ بدان اشاره رفته بود.

(۲) قرار التزام به معرفی نوبتی به مراجع قضائی یا انتظامی این قرار ابتکاری بوده و در نظام دادرسی ایران سابقه نداشته است.

(۳) بند ج ماده ۲۱۷ قانون جدید به یک قرار ابتکاری دیگر به نام التزام به حضور مستخدمان رسمی یا کشوری اشاره کرده است. هرچند به نظر می‌رسد قید رسمی بودن و مراحل اداری قبول تعهد توسط ارگان مربوط موجب اطاله دادرسی می‌شود.

(۴) قرار نوین دیگر ممنوعیت خروج از منزل یا محل اقامت از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی است که این مورد نیز سابقه نداشته است.

۲-۲- حقوق دفاعی متهم در فرایند کیفری

۲-۲-۱- حق تفهیم اتهام

تفهیم اتهام از جمله حقوق اساسی بزهکاران در فرایند کیفری به‌شمار می‌آید. بر پایه این حق، چرایی محدود کردن آزادی شهروندان، انتساب جرم به آنان و حضور آنان در فرایند کیفری تبیین می‌شود. از این رو، با توجه به اینکه اصل بر برائت شهروندان است، متهم کردن آنان از یکسو باید بر دلایل موجه مبتنی باشد و از سوی دیگر شهروندان همواره باید حق دسترسی به اطلاعات مربوط به این امر را داشته باشند تا از این رهگذر بتوانند دلایل مناسب را برای دفاع از خود جمع‌آوری و ارائه کنند. به بیان دیگر، هرگاه متهمان از نوع اتهام و دلایل آن

این دو مورد اخیر بازداشت موقت تنها برای مدتی الزامی است.

(الهی‌منش، ۱۳۸۹: ۸۵)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود توسعه موارد بازداشت موقت بازداشت موقت در نظام قضائی کشور مغایر سیاست‌های جنایی موجود در اسناد منطقه‌ای، بین‌المللی و نظام‌های قضائی سایر کشورهاست. از این رو با هدف رفع این تعارض و انطباق بیشتر با موازین بین‌المللی تبصره ماده ۲۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد، «موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است».

۲-۲-۳- رفع ابهامات و معضلات دیگر قرارهای تأمین

قرارهای ده‌گانه تأمین در ماده ۲۱۷ قانون جدید اشاره شده است. یکی از راه‌های تجدید موارد صدور قرار بازداشت موقت که توسط قانون جدید اتخاذ شده است حل تعارض‌ها و معضلات دیگر قرارهای تأمین است. برای مثال در خصوص ضمانت اجرای عدم التزام متهم به قول شرف راه‌حلی اندیشیده نشده بود، از همین رو عده‌ای قائل به صدور قرار بازداشت موقت در صورت عدم التزام متهم هستند. قانون جدید با وقوف بر این معضل در تبصره ماده ۲۱۷ مقرر کرده است: «چنانچه متهم از قرار التزام به حضور با قول شرف استنکاف کند، به قرار وجه التزام خواهد شد». ناگفته پیداست که سکوت قانون در ارائه راه‌حل مقام قضائی را به سوی صدور قرار بازداشت رهنمون می‌ساخت. نکته مبهم دیگر در خصوص قرار اخذ کفیل بود، آیا قبولی وثیقه به جای اخذ کفیل با وجه‌الکفاله مجاز است؟ اگر قائل به عدم جواز باشیم به صرف عجز متهم از معرفی کفیل وی بازداشت خواهد شد. ماده ۲۲۰ قانون جدید به این ابهام نیز پایان داده است براساس این ماده «در صورتی که متهم بخواهد به جای معرفی کفیل وثیقه بسپارد بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است» این مورد یکی از نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری جدید است که از توسل مقام‌های قضائی به صدور قرار بازداشت موقت ممانعت به عمل می‌آورد.

در ماده ۱۹۸ وجود داشت و در ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت بدان اشاره شده است.

۲-۲-۳- حق اعتراض به آراء و تصمیم های قضایی

حق اعتراض به آراء و تصمیم های قضائی و چندمرحله ای بودن دادرسی کیفری از تضمین های دادرسی عادلانه به شمار می آید. زیرا بر پایه این حق، متهمان می توانند به آراء و تصمیم های دادگاه ها اعتراض کرده و ضمن آن فرصت جدیدی را برای ارائه دلایل و مدارک و دفاعیات خویش به دست آورند. این حق نقش مؤثری در جلوگیری از استبداد دادرسان ایفا می کند. (آخوندی، ۱۳۷۹: ۳۷۱/۴) تجدیدنظر در احکام جزائی یکی از راه های پیشگیری از تحمیل مجازات به متهمان بی گناه و آثار زیان بار آن و نیز یکی از مؤلفه های دادرسی عادلانه است. حتی در شرایطی که صلاحیت، استقلال و بی طرفی دادگاه محرز است و دیگر تدابیر و معیارهای مربوط به یک محاکمه منصفانه نیز رعایت شده نمی توان ضرورت تجدیدنظر در احکام را نفی کرد، چرا که اشتباه قضائی یا قانونی دادگاه همیشه ممکن است و همین امکان اشتباه به تنهایی برای توجیه چنین ضرورتی کافی است، در واقع تجدیدنظر روشی است که در پرتو آن امکان بازبینی آراء قضائی فراهم آمده و اعمال ضابطه مند آن اجرای عدالت و احراز واقع را بیش از پیش ممکن می سازد. با لحاظ خطاپذیری انسان، تجدیدنظر امری کاملاً ضروری است. (منصورآبادی، ۱۳۸۴: ۶۲)

این موضوع در اکثر اسناد بین المللی از جمله بند ۵ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، قسمت دوم ماده ۸۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، قسمت هشتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی و بند الف ماده ۷ منشور آفریقایی ذکر شده است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر درباره این حق با تضمین آن ساکت است، اما ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون چنین سکوتی را جبران کرده و به تصریح تمام از ضرورت مراعات حق تجدیدنظر محکومان سخن گفته است. مضاف بر آن از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، حق مزبور در

ناآگاه باشند، نمی توانند به درستی یا در وقت مناسب به دفاع از خویش در فرایند کیفری بپردازند. (محمودی جانکی، ۱۳۸۴: ۱۱۴/۱) اهمیت موضوع تفهیم اتهام سبب شده است در اکثر اسناد و اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی اغلب کشورها انعکاس بیابد. اسناد حقوق بشر یکی از عناصر اساسی محاکمه منصفانه و عادلانه را تفهیم اتهام فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام به زبان قابل فهم می دانند. بند دوم ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر کرده است: «هرکس دستگیر می شود باید در موقع دستگیر شدن از دلایل علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه ای دائر بر هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می شود دریافت دارد». قسمت الف بند دوم ماده ۱۴ همین قانون اشعار می دارد: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود در اسرع وقت و به تفضیل به زبانی که بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می شود مطلع شود». اطلاع از ماهیت و سبب اتهام یکی از حقوق بنیادین متهم است که مورد شناسایی جهانی قرار گرفته و در اسناد بین المللی حقوق بشر بازگو شده است.

در حقوق داخلی پیش از هر قانونی باید به اصل سی و دوم قانون اساسی اشاره کرد که در این خصوص مقرر داشته است که: «در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به متهم ابلاغ و تفهیم شود». در قانون آیین دادرسی کیفری سابق در ماده ۱۲۹ به این امر توجه کرده است و در قانون آئین دادرسی کیفری جدید نیز ماده ۵ و ۱۹۵ به این موضوع مهم اشاره دارد.

۲-۲-۲- ترافی بودن دادرسی کیفری

برابری سلاح ها میان متهمان، بزه دیدگان و دادستان از بارزترین حقوق دفاعی متهمان به شمار می رود. بر پایه این اصل، متهمان باید از حقوق برابر با دیگر طرف های دعوی کیفری بهره مند باشند. بر پایه این حق، متهم می تواند در هر مرحله از فرایند کیفری از گواهان و مطلعان پرسش کرده و اظهارات آنان را بررسی کند. این موضوع در قانون آئین دادرسی کیفری سابق

۵- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.

۶- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه یا عدم تقصیر وی باشد.

۷- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات موردحکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

۸- و مورد آخر اینکه در ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری به آن اشاره شده در صورتی است که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از مراجع قضائی را خلاف شرع بین تشخیص دهد با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر کند.

۲-۲-۴- حق بهره‌مندی از کمک

۲-۲-۴-۱- حق بهره‌مندی از وکیل

حق داشتن وکیل امروزه در بسیاری از اسناد بین‌المللی ناظر به آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. بر پایه این حق، متهمان می‌توانند در همه مرحله‌های فرایند کیفری از حضور و مشاوره وکیل بهره‌مند شوند. بدین‌سان، وکیل به دلیل تخصص در مسائل حقوقی می‌تواند به متهمان در دفاع از خویش به گونه‌ای مطلوب کمک کند. (نیازپور، ۱۳۸۶: ۱۵)

این حق در قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قسمت سوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی تصریح شده است. (فضائی، ۱۳۸۷: ۴۳۶) برای اینکه حق دفاع متهم از خویش، معنا یابد ضروری است که وی بتواند ضمن حضور در دادگاه به دفاع از خویش بپردازد، بنابراین ابتدا این حق متهم است که شخصاً از خود دفاع کند و یا به کمک وکیل انتخابی خود به این مهم نائل شود. امروزه حتی کشورهایی که نسبت به مداخله گسترده وکیل مدافع در مرحله تحقیق‌های مقدماتی خوش‌بین نیستند، ضرورت دخالت وی را در دادگاه‌ها، پذیرا شده‌اند. اصل ۱ از اصول بنیادی درباره نقش وکلا بر حق افراد از بهره‌گیری از مساعدت وکیل مدافع برای حمایت، اثبات و

حق دادرسی عادلانه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نهفته است.

در قانون آئین دادرسی کیفری جدید، دو روش برای تجدیدنظرخواهی در نظر گرفته شده است.

۲-۲-۴-۱- روش عادی

بر طبق ماده ۴۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری جزء در مورد جرائم تعزیری درجه هشت و جرائمی که مستلزم پرداخت کمتر از یک دهم دیه کامل یا ارش است. سایر جرائم قابل اعتراض و فرجام‌خواهی هستند. همچنین به موجب ماده ۴۵۵ قانون جدید، آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظر است. مرجع رسیدگی به اعتراض نیز حسب مورد دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور می‌باشد.

به استناد ماده ۴۲۸ قانون جدید، آرای صادرشده درخصوص جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر باشد، نیز جنایت عمدی که علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن ثلث دیه کامل یا بیش از آن است و همچنین آرای صادره درخصوص جرائم سیاسی و مطبوعاتی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

۲-۲-۴-۲- روش فوق‌العاده

طبق ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری، در هفت مورد می‌توان از طریق اعاده دادرسی به احکام قطعی دادگاه اعتراض کرد که آن هفت مورد عبارت‌اند از:

۱- کسی که به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده‌بودن وی محرز شود.

۲- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به‌گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.

۳- شخصی به‌علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضائی به‌علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز شود.

۴- درباره شخصیتی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.

مورد اگر این افراد دارای توانایی نوشتن باشند منشی دادگاه، سؤال‌ها را برای آن‌ها می‌نویسد و آن‌ها نیز به صورت کتبی پاسخ می‌دهند. (فضائلی، ۱۳۸۷: ۳۷۰)

نتیجه‌گیری

اصول دادرسی عادلانه در اسناد فراملی را می‌توان به دو گروه اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و اعلامیه اسلامی حقوق بشر تقسیم کرد.

در زمینه حقوق متهم در مرحله پیش از محاکمه، حقوقی چون حق اطلاع از علل دستگیری، اعلام حق استفاده از وکیل، اعلام حق سکوت، حق داشتن مترجم و برخی از حقوق ارتباطی با الهام از حقوق اسلامی و با توجه به اسناد بین‌المللی در مجموع، قانون آئین دادرسی کیفری به خصوص در آگاهی‌بخشی به متهم تأکید زیادی می‌کند و در مورد بازداشت موقت نیز قانون جدید تغییرات محسوسی نسبت به قبل داشته از جمله اینکه درصد تحدید هرچه بیشتر بازداشت موقت متهم بوده و اصل را بر آزادی گذاشته و در این زمینه اقداماتی از جمله حذف بازداشت موقت اجباری، لغو موارد بازداشت موقت اجباری موضوع قوانین خاص، رفع ابهام سایر قرارها و تأسیس قرارهای جدید و ابتکاری را اندیشیده است.

در مرحله تحقیق‌های مقدماتی نیز مهم‌ترین گام روبه‌جلو در نقش و حدود وکیل بوده که در قوانین سابق کم‌ترین حد ممکن را داشته و علاوه بر آن سرعت در امر تحقیق نیز تأکید بسیار شده است.

در این مرحله همچنین به حق سکوت متهم، جلوگیری از هرگونه شکنجه چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی و روانی و همچنین حق درخواست جبران خسارت و به تبع آن منبع تأمین اعتبارات آن نیز اشاره شده که در قوانین قبلی سابقه نداشت. بالاخره در مرحله محاکمه، که مهم‌ترین قواعد آن رعایت اصل برائت، بی‌طرفی و عدم جانب‌داری دادگاه، استقلال و عدم دستورپذیری مقام‌های قضائی، مستندبودن احکام، اقامه

دفاع از حقوق خود در کلیه مراحل رسیدگی‌های کیفری تأکید کرده است. نکته مهمی که درباره حق فرد با داشتن وکیل در اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است تکلیف مقام‌های مربوطه به آگاه کردن متهم از این حق دفاعی خود است. ماده ۵ از اصول بنیادین مربوط به نقش وکلا به آن اشاره دارد. در صورتی که متهم برای دفاع از خود وکیل انتخاب نکند با توجه به مقررات بین‌المللی، در صورتی که اجرای عدالت اقتضا کند، حق خواهد داشت که از معاضدت وکیل تسخیری به صورت رایگان بهره‌مند شود. در تشخیص اقتضای اجرای عدالت می‌توان اهمیت جرم ارتكابی، شدت مجازات احتمالی و پیچیدگی پرونده را مدنظر قرار داد.

در ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی به این حق اذعان کرده است، همچنین این حق برای مرحله تحقیق‌های مقدماتی نیز در ماده ۱۹۰ قانون جدید مطرح شده است، در حالی که این حق در مرحله تحقیق‌های مقدماتی در قانون سابق وجود نداشت و نقطه عطفی در قانون جدید محسوب می‌شود.

۲-۲-۴-۲- حق داشتن مترجم

برخی از بزهکاران در کشوری بیگانه مرتکب بزهکاری می‌شوند. از این رو، ممکن است با زبان رسمی حاکم بر کشور رسیدگی‌کننده آشنایی نداشته باشند. به همین دلیل، تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی برای آگاهی دقیق آنان از فرایند کیفری و استماع دفاع آنان و غیره حق استفاده از مترجم رایگان را برای آنان پیش‌بینی کرده‌اند. از جمله اسناد بین‌المللی که به این حق اشاره کرده‌اند عبارت‌اند از، بند سه ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ه ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

قانون آئین دادرسی کیفری، در مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ به این موضوع اشاره کرده است. برطبق این مواد، دادگاه در صورت لزوم در دو مورد برای هریک از افراد ذینفع در پرونده اعم از شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهد مترجم مورد اطمینان تعیین خواهد کرد. اول آنکه افراد یادشده قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشند و دوم آنکه افراد ذکرشده قادر به تکلم نباشند. در این دو

به قانون قبلی کاملاً مشهود است، ولیکن همچنان جای نقد داشته و نقصان‌هایی نیز دارد که باید رفع شود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

دلیل ازسوی طرفین رسیدگی، علنی‌بودن دادرسی که از نظر بین‌المللی هم اهمیت بیشتری داشته، همچنین حق حضور در جلسه‌های دادگاه، حق داشتن مترجم، برخورداری از وکیل، رویارویی متهم با شاکی و گواهان، رعایت مهلت معقول و ... که از دیگر حقوق متهم در این مرحله است و در قانون آئین دادرسی کیفری مطرح شده است. در پایان تجدیدنظرخواهی و درخواست جبران خسارت ایام بازداشت نیز از حقوق اساسی متهم در این مرحله است که در قانون جدید نیز به آن تأکید شده است.

در نهایت اینکه قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مقابله با قوانین قبلی به لحاظ هماهنگی و هم‌سویی با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای پیشرفت‌های زیادی داشته و نوآوری‌های متعددی را در بر دارد، به‌ویژه در بحث حقوق متهم که گام مؤثری برداشته و همچنین تغییر کامل مواضع قانون در مورد حق برخورداری از وکیل به‌خصوص در مرحله مقدماتی، نسبت

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۷۹). *آئین دادرسی کیفری*. جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، دوم و سوم، چاپ چهل و هشتم، تهران: میزان.
- آشوری، محمد (۱۳۹۱). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: سمت.
- الهی‌منش، محمدرضا (۱۳۸۹). *قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق ایران و فرانسه*. چاپ اول، تهران: مجد.
- خالقی، علی (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول و دوم، چاپ سی‌ویک، تهران: شهر دانش.
- زراعت، عباس و همکاران (۱۳۸۹). *قانون آیین دادرسی در نظم کنونی*. چاپ پنجم، تهران: خط سه.
- شفیعی‌نیا، محمد (۱۳۸۸). *مطالعه تطبیقی اصل ممنوعیت شکنجه در سه نظام حقوقی اسلام، ایران و بین‌الملل بشر*. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- علامه، غلام‌حیدر و همکار (۱۳۸۹). *اصول راهبردی حقوق کیفری در قوانین اساسی ایران و افغانستان در پرتو اسناد بین‌المللی*. تهران: میزان.
- فضائی، مصطفی (۱۳۹۷). *دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.
- گودرزی، محمدرضا و همکاران، (۱۳۸۴). *حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها*. چاپ اول، تهران: راه تربیت.
- بابایی، محمدعلی و همکار (۱۳۸۹). *«حقوق برخورداری از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی»*. نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳: ۴۴-۶۶.
- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵). *«اصل برابری سلاح‌ها»*. مجله حقوقی دادگستری، شماره پنجاه و شش، صفحات هشتاد و دو الی صد و سه.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۴). *«حق تجدیدنظر در فرایند دادرسی عادلانه»*. مجله اندیشه‌های حقوقی، ۱۲: ۸۹-۱۲.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۵). *«بازپروری بزهکاران در مقررات ایران»*. مجله فقه و حقوق، ۱۱: ۱۴۸-۱۷۵.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۶). *«حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، جلوه‌ای از حقوق شهروندی»*. مجله حقوقی دادگستری، ۵۸: ۵۶-۸۰.
- محمودی‌جانکی، فیروز (۱۳۸۴). *«حق دفاع متهم در علوم جنایی»*. مجموعه مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر: جلد اول، چاپ اول، کمیته معاضدت قضائی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در تهران، صفحات صد و چهارده الی صد و سی و نه، تهران: سلسبیل.
- شاملو، باقر (۱۳۸۳). *«اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی در علوم جنایی»*. مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چاپ اول، صفحات دویست و شصت و چهار الی دویست و هشتاد، تهران: سمت.
- میرزاجانی، عباس (۱۳۹۳). *لایحه آیین دادرسی کیفری در آئینه دادرسی عادلانه با نگاهی به اسناد بین‌المللی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- تقی‌پور، علیرضا (۱۳۸۵). *«حقوق متهم در دادرسی کیفری بین‌المللی»*. رساله دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.



Developments in Fair Trials in Light of the Criminal Procedure Code Adopted in 2013 with a View to International Documents

Abbas Mirzajani ^{1*}

1. MA of Criminal Law and Criminology, Ghazvin Branch, Islamic Azad University, Ghazvin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 55-69

Corresponding Author's Info

Email: A.mirzajani@gmail.com

Article History:

Received: 03 Apr 2020

Accepted: 10 Jul 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

Fair Trial,

Criminal Procedure Law,

International Documents,

The Rights of The Parties.

ABSTRACT

Fair Trial is the resolution of disputes in a legal, impartial, independent and observing all rights of the parties. In other words, the principles and rules of fair trial are fined in domestic law and international documents, including the Charter of Human Rights, the International Civil and Political Law Treaty, and other international documents. The presumption of innocence as the most fundamental principle, the principle of legality of crimes and punishments, the principle of equality of persons before the law and the principle of arms equality are among the most important principles of due process. Also, for the detention phase, the right to an interpreter, the right to be aware of the causes of arrest, the right to object to detention, the request for compensation resulting from false detention and other rights are the requirements of the proceedings at this stage. The most important conditions of fair trial in the preliminary investigations are the rights which be protected from the lawyer and the right to silence. In the trial phase, the lack of impartiality, independence and non-affiliation, documentation of rulings, equality between persons, presentation of evidence by both parties, publicity of the proceedings, the right to a lawyer, the right to appear in court, the right to question witnesses, the right to appeal and other rights should be guaranteed in order for a fair trial to be achieved. The Criminal Procedure Code of 2013 has made great progress in aligning and coordinating with international and regional documents in comparison with the former Criminal Procedure Code, although there are still flaws and gaps in it.

openaccess



Cite this article as:

Mirzajani, A (2020). "Developments in Fair Trials in Light of the Criminal Procedure Code Adopted in 2013 with a View to International Documents". *Legal Thoughts Journal*, 1(1): 55-69.